

# چهره‌هایی از پدرم

ثمین باغچه بان

www.ketab.ir



چهره‌هایی از پدرم

ثمین باغچه‌بان

طرح روی جلد: احمد رضا دالوند

چاپ سوم: ۱۳۸۶

لیتوگرافی: طاووس رایانه

چاپ: سارنگ

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

بها: ۳۰۰۰ تومان

حق چاپ برای نشر قطره محفوظ است.

باغچه‌بان، تمین، ۱۳۰۴ -

چهره‌هایی از پدرم / تمین باغچه‌بان - تهران: نشر قطره، ۱۳۸۲.  
۲۶۴ ص: مصور. عکس. - (سلسله انتشارات نشر قطره) ۳۴۹: هنر و ادبیات ایران  
(۸۹)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. باغچه‌بان، جبار، ۱۲۶۴ - ۱۳۴۵ - سرگذشتنامه. ۲. باغچه‌بان، تمین،  
۱۳۰۴ - ، غناطرات. الف. عنوان.

۲ / ۲ HV ۲۸۵۵ ۳۰۵ / ۹۳۷۹

۲۸۲-۸۴۲۳

کتابخانه ملی ایران

شما یک: ۱-۲۰۹-۳۴۱-۹۶۳-۱ ISBN: 964-341-209-1

آدرس: خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۹ - تلفن: ۳ - ۸۸۹۷۳۳۵۱

تلفن دفتر فروش: ۸۸۹۵۶۵۳۷ - ۸۸۹۵۲۸۳۵ دورنگار: ۸۸۹۶۸۹۹۶

صندوق پستی ۳۸۳-۱۳۱۴۵

e-mail: ghatreh\_pub@yahoo.com

Printed in The Islamic Republic of Iran

## فهرست

- ۱۱ ..... درباره‌ی ثمین باغچه بان
- ۱۹ ..... حمام
- ۲۴ ..... قورباغه
- ۲۴ ..... لالایی
- ۲۶ ..... بلور
- ۲۸ ..... بوی گل
- ۳۰ ..... خاطره‌ی یک دیدار
- ۳۳ ..... لاستیک چه جوری می‌سوزد؟
- ۳۶ ..... در برگریزان یکی از پاییزهای خیلی دور
- ۴۰ ..... این ماهی نباید بمیرد
- ۴۶ ..... سیم چرخ‌ها و فرفره‌ها
- ۴۹ ..... او پسر من است
- ۵۱ ..... من «دکتر میم» هستم
- ۵۷ ..... ثبت‌نام در هنرستان موسیقی
- ۷۲ ..... جن و حضرت عیسی
- ۸۰ ..... بلیط‌های بخت‌آزمایی
- ۸۱ ..... صفیه، چرا گریه می‌کنی؟
- ۸۴ ..... مدیر و فراش
- ۸۶ ..... از هر دریا قطره‌ای
- ۹۲ ..... پوستین پدرم
- ۹۴ ..... تصمیم
- ۹۸ ..... با نور آفتاب
- ۱۰۵ ..... این هم شد تنبیه؟

۱۰۸	اندازه‌ی شرف.....
۱۰۹	چه پدر بی باکی دارم!.....
۱۱۲	پاشو... پاشو تازت را کوک کن!.....
۱۱۷	گوچه فرنگی و غسل.....
۱۲۰	به یاد دو دوست بزرگوار پدرم.....
۱۲۵	آموزگار و شاگردش.....
۱۲۷	یک پاکت سیگار آشنو و یک غنچه‌ی گل سرخ.....
۱۴۸	با یک گل که بهار نمی شه.....
۱۵۵	سرزمین فرشته‌ها.....
۱۵۷	هنرپیشه و پهلوان آموزشگاه.....
۱۶۱	با پول حلال.....
۱۶۳	فواره‌ی جهنم.....
۱۶۶	نی اینترستی خودتی.....
۱۷۲	لکه‌ی شاه توت.....
۱۷۹	تفنگ برنوی پدرم.....
۱۸۳	وقتی کارت تمام شد مرا صدا کن.....
۱۹۰	ژک، بی پرده و بی پروا.....
۱۹۴	به خاطر حفظ آبرو.....
۲۰۲	معلم مهربانی که بوی بستنی می داد.....
۲۰۹	یک سرگذشت.....
۲۲۸	پزیشب‌ها پدرم را در خواب دیدم.....
۲۳۶	حسادت.....
۲۴۰	مامان.....
۲۴۴	درخت‌ها... برگ‌ها... ، خداحافظ.....
۲۵۰	خط جبار باغچه بان.....
۲۵۱	توضیح عکس‌ها

## درباره‌ی ثمین باغچه‌بان

در سال ۱۳۰۴ در تبریز به دنیا آمدم. دوران خردسالی‌ام در شیراز گذشت. دوره‌ی ابتدایی را در تهران به پایان رساندم و از اول متوسطه به هنرستان موسیقی رفتم.

در سال ۱۳۲۳ با استفاده از بورس تحصیلی رایگان دولت ترکیه، با دوست بی نظیر و با استعدادم «حسین ناصحی»، برای تحصیل در رشته‌ی کمپوزسیون به آنکارا رفتیم.

در کنسرواتوار دولتی آنکارا با همسر آینده‌ام «اولین باغچه‌بان» که یکی از برجسته‌ترین هنرجویان رشته‌ی پیانو و آواز بود، آشنا شدم. من و ناصحی در سال ۱۳۲۸ دوره‌ی فوق لیسانس کمپوزسیون را با درجه‌ی یک به پایان رسانده و به ایران برگشتیم. سال بعد هم همسرم به ایران آمد و هر سه در هنرستان عالی موسیقی استخدام شده و در رشته‌های تخصصی خود به تدریس پرداختیم...

(نظر به این‌که زندگی من و همسرم با فعالیت‌های دوش به دوش و هدف‌های مشترکی که داشتیم در هم بافته شده است، باید به فعالیت‌ها و سازندگی‌های او اشاره‌ای بکنم.)

همسرم پس از آمدن به ایران، خدمات و سازندگی‌های بسیار ارزنده‌ای در پیشبرد و توسعه‌ی هنر موسیقی انجام داده است، مانند:  
۱ □ تأسیس کلاس تخصصی آواز در هنرستان عالی موسیقی تهران و تدریس در این کلاس، و پرورش خوانندگانی که در کشورهای اروپایی

موفقیت‌های درخشانی به دست آوردند.

- ۲ □ پایه‌گذاری گر هنرستان عالی موسیقی تهران و رهبری آن.
- ۳ □ پایه‌گذاری چند گروه گر آزاد، در خارج از هنرستان، و رهبری آن‌ها.
- ۴ □ تأسیس «گر تهران» به عنوان یکی از واحدهای رسمی وزارت فرهنگ و هنر، و رهبری آن.
- ۵ □ شرکت بسیار مؤثر در پایه‌گذاری اپرای تهران.
- ۶ □ پایه‌گذاری «گر اپرای تهران» و رهبری آن.
- ۷ □ اجرای نقش‌های اصلی در اپرای تهران.
- ۸ □ اجرای رسیتال‌های آواز در تهران، و همچنین در کشورهای خارج، مانند آلمان، اطریش، فرانسه، مجارستان، شوروی و ترکیه.
- ۹ □ تأسیس «هنرستان گر» و یک کنسرواتوار شبانه‌روزی، برای یکی از جمعیت‌های خیریه.

کارهایی که من تا سال ۱۳۵۷ در زمینه آهنگسازی انجام داده‌ام، این‌هاست:

- ۱ □ بوی‌وار. (سوئیت سنفونیک برای ارکستر) این اثر بیست سال پس از تاریخ ساخت آن، برای بار اول در سال ۱۳۵۰ با ارکستر سنفونیک تهران به رهبری حشمت سنجری، و پس از آن با رهبری فرشاد سنجری اجرا شد. سپس در سال ۱۹۵۲ در فستیوال هنری بین‌المللی استامبول، و پس از آن توسط «ارکستر سنفونیک ریاست جمهوری ترکیه» در آنکارا اجرا گردید، و اخیراً توسط ارکستر سنفونیک تهران چند بار اجرا شده است. این اثر توسط استاد منوچهر صهبایی در سوئیس اجرا و ضبط شده و برای چاپ آماده شده است.
- ۲ □ لالایی. برای آواز و پیانو، و همچنین برای ارکستر سازهای آرشه‌ای و آواز. برنده‌ی جایزه‌ی بهترین آواز، در برنامه‌های هنری فستیوال صلح جهانی، در آلمان سال ۱۹۵۲.
- ۳ □ دوزلفونت. برای آواز و پیانو.

۴ □ تنها. برای آواز و پیانو.  
۵ □ تو را می‌خوام. برای آواز و پیانو و همچنین برای سازهای آرشه‌ای و آواز.

۶ □ همواره‌ی خالی. برای آواز و پیانو.  
(این قطعات آوازی بارها در رسی‌تال‌های آواز اولین باغچه‌بان، چه در داخل کشور، و چه در خارج اجرا شده است.)

۷ □ شلیل. ترانه‌ی محلی. ایرانی. تنظیم برای کُر.  
۸ □ حمومی. ترانه‌ی محلی ایرانی. تنظیم برای کُر.  
۹ □ تویبویو. ترانه‌ی محلی ایرانی. تنظیم برای کُر.

این ترانه‌های تنظیم شده، بارها در تهران، توسط کُرهای مختلف، با رهبری اولین باغچه‌بان اجرا شده است. همچنین این ترانه‌ها و سایر ترانه‌های تنظیم شده‌ی ایرانی، توسط «گروه کُر میترا» با رهبری اولین باغچه‌بان در وین ضبط و برای چاپ آماده شده بود.

۱۰ □ شله‌ی سه رنگ. سرود برای کُر.  
۱۱ □ قتل. روی مَثَل معروف یکی بود یکی نبود. توسط کُر ملی تهران و کُر میترا، با رهبری اولین باغچه‌بان اجرا شده است.

۱۲ □ درخت سرو بودم. روی دوبیتی‌های محلی ایران. برای ارکستر سازهای آرشه‌ای، کُر، و سولوی متزو سپرانو. این اثر با ارکستر سازهای آرشه‌ای تلویزیون ایران، به رهبری حشمت سنچری، و گروه کُر میترا، به رهبری اولین باغچه‌بان، در استودیوی رادیو ایران ضبط شده است. خواننده سولست اولین باغچه‌بان بود.

۱۳ □ پوستندگان و سپاهیان. تابلوی موزیکال، روی داستان زال و رودابه‌ی فردوسی. شعر از احمد شاملو. برای ارکستر و کُر، همچنان برای پیانو، تیمپانی و کُر.

این اثر بارها با رهبری اولین باغچه‌بان در کنسرت‌های عمومی و کنسرت‌هایی در حضور سران کشورهای خارجی اجرا شده است.

۱۴ □ که داند که؟ .. تابلوی موزیکال، روی داستان زال و رودابه‌ی فردوسی، برای ارکستر و کُر و سولوی متزو سپرانو، همچنین برای پیانو، کُر و سولوی متزو سپرانو.

این اثر نیز با رهبری اولین باغچه‌بان، خوانندگی او، در کنسرت‌های عمومی و کنسرهایی در حضور سران کشورهای خارجی اجرا شده است.

۱۵ □ من عاشقی‌ام. تابلوی موزیکال روی داستان زال و رودابه‌ی فردوسی. این اثر اجرا نشده است.

۱۶ □ رقص پرستندگان رودابه. روی داستان زال و رودابه‌ی فردوسی. برای ارکستر. این اثر اجرا نشده است.

۱۷ □ رنگین‌کمان. برای ارکستر، کُر و سلوهایی برای متزو سوپرانو، سوپرانو و باریتون. این اثر، که اشعار آن نیز ساخته‌ی من است، در تابستان سال ۱۳۵۷ در وین، با شرکت نوازندگان ارکستر سنفونیک رادیو وین - به رهبری توماس کریستیان داوید - و گروه کُر میترا - به رهبری اولین باغچه‌بان - در وین اجرا و در پاریس به چاپ رسید. با وجود این که این اثر یک کار کلاسیک است با ملودی‌های آسان و ساده‌ای که دارد، کودکان را با فرهنگ موسیقی آشنا، و عشق به طبیعت و حیوانات و درخت‌ها و سبزی‌ها و کوه‌ها و دشت و برف و باران و شوره‌زارها و شالی‌زارها را در آن‌ها بیدار می‌کند. رنگین‌کمان برای عرضه در سال جهانی کودک به سال ۱۹۷۹ به نام ایران و دریافت جایزه یونسکو در نظر گرفته شده بود، اما این برنامه‌ها متوقف ماند.

در طول سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۷، در کنار کار موسیقی، فعالیت‌های قلمی نیز داشته‌ام:

۱ □ ترجمه‌ی آثاری از سه نویسنده‌ی بلندآوازه‌ی ترکیه، ناظم حکمت (شاعر و نمایشنامه‌نویس)، عزیز نسین (طنزنویس) و یاشار کمال (رمان‌نویس).



- ۲ □ ترجمه‌هایی از این سه نویسنده، و مقالات خودم، برای مطبوعات، از جمله مجله فردوسی، کتاب هفته، روزنامه‌های به‌سوی آینده، کیهان و اطلاعات، و مجله پیک جوانان.
- ۳ □ هفت مقاله در باره‌ی هفت هنر دستی ایران. کتابچه. در پیک جوانان به چاپ رسیده است.
- ۴ □ در باره‌ی الفبای موسیقی. کتابچه. در پیک جوانان به چاپ رسیده است.
- ۵ □ موسیقی الکترونیک و پنجه انسان. کتاب. ناتمام مانده است.
- ۶ □ شاطر آقا دست شما درد نکند. کتاب. ناتمام مانده است.
- ۷ □ نروزها و یادبادک‌ها. «کتاب کودک». با نقاشی‌های نورالدین زرین کلک. کتاب برگزیده سال ۱۳۵۳، از طرف شورای کتاب کودک.
- ۸ □ نروزها و مرغی بر شاخه‌ی درخت. «کتاب کودک». با نقاشی‌های پرویز کلانتری. انتشارات تصویر و صدا. سال ۱۳۶۱.
- ۹ □ نروزها، و شعر و دانه برای گنجشک‌ها. با نقاشی‌های پرویز کلانتری. انتشارات تصویر و صدا. سال ۱۳۶۱.
- ۱۰ □ چهره‌هایی از پدرم. کتاب خاطرات. نوشته سال ۱۳۸۱. ناشر: نشر قطره.

□ □ □

- در سال ۱۳۶۳، با خانواده‌ام به ترکیه آمدم، و حالا ۱۸ سال است در استانبول اقامت داریم. آثاری که در این جا به وجود آوردم، این‌هاست:
- ۱ □ کشتی کاغذی. برای ارکستر، گُر، و سلوهای برای متزو سپرانو، یا باریتون.
- ۲ □ پینه‌دوز. برای ارکستر و گُر.
- ۳ □ به کبوتری داشتم. برای ارکستر، گُر و سولوی متزو سپرانو.
- ۴ □ عروسک و آدم. برای ارکستر، گُر، و سولوی سپرانو.

- ۵ □ ستاره دشت. برای ارکستر و گُر.
- ۶ □ چارشنبه سوری. برای ارکستر و گُر.
- ۷ □ سومواران. برای ارکستر و گُر. ناتمام مانده است.
- ۸ □ شلیل. برای سازهای آرشه‌ای، توسط منوچهر صهبایی در سویس اجرا و برای چاپ آماده شده است.
- ۹ □ ای خدا آتیش بارونه. برای سازهای آرشه‌ای. توسط منوچهر صهبایی در سویس اجرا، و برای چاپ آماده شده است. نظر به این‌که ترجمه‌ی عبارت «ای خدا آتیش بارونه» به زبان‌های دیگر ناجور بود، با عنوان «ویرونه» در سویس اجرا شده است.

استاد منوچهر صهبایی برای اجرای همه‌ی این کارهای اخیر در اروپا می‌خواستند اقدام کنند، اما چون تهیه یک گروه گُر فارسی خوان اولین مشکل در این راه بود، این کار عملی نشد.

ثمین باغچه‌بان

۱۵ آبان ۱۳۸۱ - استانبول